

عنوان مقاله:

تمایز در مراتب هستی نزد فرفوربوس و یامبلیخوس سوری.

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش های هستی شناختی، دوره 12، شماره 24 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسنده:

حسین کلباسی اشتری - استاد گروه فلسفه، دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

هرچند مکتب نوافلاطونی را به عنوان آخرین حلقه و میراث از زنجیره سنت فلسفی هلنیسم خوانده اند، اما ویژگی ترکیبی و تلفیقی این مدرسه فلسفی از سویی، و تنوع گرایش ها و جهت گیری های نظری و عملی درون آن از سوی دیگر، طیفی از پرسش ها را در زمینه وحدت مفهومی میان آن گرایش ها فرا روی پژوهشگران قرار داده و می دهد. از زمره نخستین پرسش ها، گذشته از پرسش مربوط به نوع و سنخ خوانش اصحاب این مدرسه از نظام های افلاطون و ارسطو، به دیدگاه هستی شناسانه فیلسوفان این سنت فلسفی بازمی گردد که گرچه بی تردید بازتابی از دیدگاه های موسس آن افلوپین در تاسوعات (انثادها) و به ویژه نظریه اقاییم سه گانه است، لیکن می توان نشان داد حداقل در زمینه تعداد و تکرار مراتب هستی و نسبت آنها با یکدیگر، و به زعم آنان عدم کفایت این نظریه در ربط کثرات به میدا یا مبادی اعلی، اختلافات و تمایزات مهمی میان آنها برقرار است. به گونه ای که در برخی موارد وحدت بنیادی میان دو نظام فلسفی را تحت الشعاع قرار می دهد. این نوشتار به تحلیل و مقایسه مراتب هستی نزد دو چهره از نوافلاطونیان نخستین فرفوربوس شاگرد افلوپین و یامبلیخوس شاگرد فرفوربوس و میزان قرابت و وفاداری آنان به ساختار اولیه هستی شناسی نوافلاطونیان می پردازد و نشان می دهد که با یامبلیخوس نوعی چرخش اساسی از نوع تلفیق با عناصر رمزی و کهانت در این نظام پدید آمده و نهایتا در چارچوب مدرسی پروکلوس و نوشته های تاثیرگذار او تجدید بنا شده است.

کلمات کلیدی:

نوافلاطونیان، فرفوربوس، یامبلیخوس، مراتب هستی، اقاییم، کهانت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1963240>

